

یکشنبه چهاردهم اسفندماه ۱۴۰۱

نشست هفدهم ؛ سال دوم ؛ فقه هنر؛

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا وحافظا  
و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

**فقه هنر ؛ نقاشی و مجسمه سازی**

**براساس کلام شیخ و اقتضای تحقیق**

شیخ دو نقطه روشن دارد و یک نقطه مبهم دارد؛

آن چه نقطه روشن بحث او ست این که ایشان مجسمه و نقاشی ذیروح را حرام میدانند و ذیروح را جایی  
معنا می کند به حیوان ..مثل فرشتگان یا موجودات خیالی و ..

و ایشان نقاشی را هم اضافه می کند ؛ اگر یادتان باشد قیدی را هم می آورد و می گوید با قصد حکایت و  
تمثیل و گر نه اگر قصد حکایت و تمثیل نباشد...قدر مسلم این است که طرف قصد حکایت از خلق خدا  
را داشته باشد ....

بگویند می خواهیم یک انسان را تصویر کنیم ...

قصد حکایت را به تشبه به خدا معنا نکنید

د رهر صورت ایشان وقتی پای ذیروح وسط می آید، و پای قصد حکایت و تمثیل وسط بیاید حرام می داند  
و غیر از این ، همه در بساط جواز قرار میدهد و کار روشنی که کرد این بود : ایشان روی صنع تاکید دارد  
اما یک مصونیت فتوایی میدهد برای بعد صنع ..

که می شود نگهداری ..کسی است که دوست دارد تصویر پدرش را نگه دارد یا به مسافرت رفته و دوست  
دارد سوغاتی بیاورد و ان را نگه دارد ...

به هر حال شیخ اقتنا را جایز می داند ؛ حکم اختصاص حرمت به فعل و صنع نه اقتنا و اتخاذ ...

این هم کار دومی که شیخ کرده است و کار سومی که استخوان لای زخم گذاشت این بود : ایشان متعرض  
حکم وضعی نشد .

و میدانید که جواز اقتنا و اتخاذ مستلزم جواز معامله نیست

اما خرید و فروشش یکی بحث تکلیفی مطرح است و دیگری بحث وضعی آن (صحت و بطلان )

مثلا بگویند شیخ چون در لیست مکاسب محرمه می آورد قهرا خرید و فروشش را حرام میدانند

مثلا کسی نقاشی کشید ؛ این شخص به هر حال اشتباه کرد که کشید ولی آمد و آن را به شما داد این جا اگر پول بخواهد چه می شود؟

این جا دو بحث است: یکی این که حرام است یا نه ؟

باطل است یا نه؟

می گوییم همین که در لیست محرمات آورده پس انرا حرام می داند و این که در لیست محرمات آورده بگوییم باطل هم میداند .

ولی از کرامات شیخ انصاری این است که حرمت را دال بر بطلان نمی داند

ما می گوییم اگر معامله ای حرام تکلیفی شود، معنا ندارد باطل نباشد ؛ بطلان عرفی دارد .

فرض کنید در مجلس شورای اسلامی تصویب شود که حمل و نقل مواد مخدر حرام است و اگر کسی خرید و فروش کند ، جرم است .

بعد یک آقایی برود و مثلا دو کیلو تریاک بفروشد و پرونده او هم دادگاه رفت و قاضی هم به او بگوید : شما به این دلیل که خلاف قانون عمل کردی دو سال زندان داری ولی جنس را باید تحویل دهی ، واگر هم ندهی دو سال دیگر هم اضافه می شود به ایندلیل که جنس را تحویل ندادی ....

جدا کردن حکم تکلیفی از وضعی یکی از مصادیق ان همین است

ما می گوییم وقتی چیزی را شارع مقدس جرم می انگارد و جرم اعلام می کند بعد نمی تواند ضد این را حکم کند؛ چون معامله صحیح است معنا دارد ..

خدا بیامرزد آقای تبریزی را ، این ها در بیع سلاح به دشمنان دین اول تفصیل میدهند بین زمان صلح و زمان جنگ ...

این معنایش این است که اگر ما به دشمن دین سلاح دادیم ، او می تواند شکایت کند که ایشان این جنس را طبق این سند به من فروخته و ..

اگر جایی پدری به فرزندش بگوید مهمان خانه نیاور ولی اگر آوردی من مجبورم احترامش بگذارم ...

جایی که خود معامله فساد دارد مثل بیع سلاح به دشمنان دین ... مثل بیع عنب به کسی که آن را شراب کند مثل بیع مواد مخدر به کسی که آن را استفاده کند ...

کل جایی که معامله تجریم می شود، و مشکل هم در خود نقل و انتقال است چون شراب است چون خنزیر است ... عرفا ملازمه با حرمت دارد مگر شارع استثنا کند .

نهایتا این که گفتیم شیخ چون جزء محرمات آورده پس باطل هم هست من نوشتم، فتامل ... که یعنی شیخ از آن هایی نیست که مثل من فکر کند.

شیخ دارد که حرمت تعلق می گیرد به فعل و صنع لابتخاذاها و اقتناها و لم یذکر صریحا فتیایها من صحة المعاوضه ... و بطلانها نعم یظهر من سرده التصوير و التجسیم فی ما یحرم اکتساب .. عملا محرما انه علی بطلان المعاوضه ..

می گوئیم معامله باطل است از باب ان الله اذا حرم شیئا حرم ثمنه ....

پس این طور شد کسی بخواهد بسازد و بفروشد باید بگوئیم باطل است

کسی ساخته و فروخته و حالا کسی میخواهد معامله کند و نگه دارد نه باطل است و نه حرام است .

چند نکته و بعد تتبع و تحقیق

نکته اول : یک نکته این است: آقایان معمولا مساله را چهار قسم می کنند یا حیوان است یا غیر حیوان یا مجسمه است یا غیر مجسمه ...

اما الان که نگاه می کنیم ؛ مثلا حکای روی فلز ... روی چوب چه حکمی دارد ؟

یا برخیها را دیدید یک سری خطوط موازی درست می کنند و یک رنگ آمیزی روی خطوط موازی می کنند و این ها را کنار هم که قرار میگیرد تصویر یک انسان را در می آورد..

یا تصویر خیالی از جن و ملک یا تصاویر کاریکاتور یا کارتون ها ....

عکاسی یا ..

مثلا شیخ راجع به سردیس هم گفت

به نظرم فیلم و سینما چیست ....

اگر واقعا کسی در این حیطه ها کار کند ارزشمند است نقاشی، مجسمه سازی فیلم سینما عکاسی پرتره سردیس ، تصاویر خیالی ...

نکته دوم : لزوم توجه به ابعاد و ساحت های مختلف مساله یا مصداق شناسی های جدید

شاید زمان شیخ اعظم این نکته مهمی نبوده است ..

بحث حکمت حرمت است مهم است ما معمولا در بحث های فقهی دنبال حکمت نمی رویم

دو نفر به ما جرأت دادند و این کار را کرده اند یکی از آن ها شیخ انصاری است ...

اما یک کسی که از معاصران این بحث را به قدری بیشتر پرداخته است مرحوم امام خمینی است ...

و این کار امام شاید عاملی بوده که برخی از این ژورنالیست ها و پوپولیست ها عنوان کنند که مسائلی مثل مجسمه سازی و نقاشی موضوعا با قدیم متفاوت است ...

این ها که میدانید معمولا اهل دقت و حکمت که نیستند و علت و کارایی ابزاری و کارایی اسنادی و ... که بررسی نمی کنند اما یک نکته این است که بنده معتقدم باید به این موضوعات توجه کافی کرد مبادا حرف آن ها درست باشد!

آیا میتوان گفت اینها تماما اشتباه می کنند؟ اگر این طور باشد و احتمال داشته باشد که صحیح بگویند: جمع بندی این می شود که آن چه الان مطرح است در گذشته نبوده است و آنچه در گذشته مطرح بوده الان نیست و این یکنوع عصری بودن مساله و یکنوع خلط عصرها به هم است ... (زمان پریشی است) حرف شیخ را که قبلا داشتیم و حال باید دید امام خمینی چه می گوید.

آدرس همان مکاسب محرمة ایشان از ص ۱۶۹ تا ۱۷۱ من خلاصه این صفحات را می گویم

ایشان می گوید ظاهر بخشی از اخبار به مناسبات حکم و موضوع این است که مراد از تماثیل و صور تماثیل بت ها ست و بت هایی که مورد عبادت بودند ...

ایشان دلالت می کند به این روایت؛ که می گوید من جدد قبرا او مثل مثلا فقد خرج عن الاسلام .... (مناسبات حکم و موضوع) حکم خرج عن الاسلام است و موضوع مثلا مثلا است و مناسبت بین من مثل مثلا با خرج می شود مناسبات حکم و موضوع ..

سوال بنده این است: طبق این حرف اگر فرزند کودکی یک نقاشی کشید آیا بگوییم تو از اسلام خارج شدی؟

یا این روایت: ان من اشد عذابا عندالله يوم القيامة المصورون ....

این تاکیدات و تشدیدات مناسب نیست با صرف نقاشی و یا مجسمه سازی

ایشان (امام) می گوید بخشی از روایات هم ظاهرش حرمت است عمل مجسمه است ولو بقصد نباشد روایتی هست که مثلا اگر کسی مجسمه ای ساخت روز قیامت به او گفته می شود در او بدم و اگر نتوانست این کار را بکند، عذاب می شود ....

لا شبهة فی حرمة تصویر اجسامی که برای عبادت است یا برای ابقای آثار سلف فاجر است ...

شاید اشاره به زرنشتی گری یا آتش پرستی یا کوروش پرستی و داریوش پرستی و اینها دارد

و ادامه می دهد و لا بین ایجاد تسبیبی و المباشترین ... اگر کسی مباشر نباشد و سبب باشد فردا فلان فرد مدعی نشود که من نساختم گفته می شود حداقل تو سبب بودی و وزارخانه ایجاد تسبیبی دارد و نقاش ایجاد مباشر ..

صور روحانیون و غیرها و حیوان و غیر آن ..

بعد ایشان می گوید اگر کسی صور بعض از انواع متوهم مثل صور حیوانات که کانت مورد تعبد هم یا صورت شجره کذائیه که مورد پرستش بوده است (درخت سرو ابرکوه که بیش از چهار هزار سال مورد پرستش بوده است) امام می گوید: کان حراما مطلقا

وذلك لما نقلنا من مذاق الشارع که لا یرضی ببقاء آثار الکفر...

اگر برای تعظیم باشد برای حب بقای آثار و فخر به این ها باشد

آخر کار هم ایشان طعن خود را میزند: کما تری من اولاد الفرس من الحرص علی بقاء آثار القدیمة بالمجوس و عبدة النیران ...

خوب است کسی که می خواهد اعتقادات ادیان را بیان کند از اهل همان ادیان سوال کند و ببیند مثلا آیا آتش مورد احترام است یا مورد پرستش ...

از وثیق ترین واسطه هم نگیرد مگر این که واسطه برای شما ثابت شود که امین است ..

تجربه ای که من دارم این است که حتی الامکان واسطه ها حذف شوند...

سعی کنیم اگر می خواهیم از اشاعره یا اخباریها مطلبی بگوییم از خود ایشان بشنویم و نقل کنیم و نه از واسطه ها...

فقه و عقل را نگاه کنید بنده در این کتاب سعی کردم بر این منوال کار کنم و لذا زمان برد و بنده اعتنا به اقوال واسطه ها نکردم .

پس باید صور مساله را باید درست و حسابی داشته باشیم

روی حکمت ما باید به یک قراری برسیم

و نکته سوم: فی بیان امکان اختلاف حکم تصویر باختلاف حکم ایجاد و باختلاف ما یترتب علیه من الاثار والعناوین فی الازمنه المختلفه و الامکنه المختلفه ...

یکی بحث حرمت است و دیگری حکمت حرمت که حکمت حرمت چه بوده است و یک بحث هم بحث زمان شناسی و مکان شناسی و ترتب آثار و ممکن است طرف قصدی ندارد اما اثری مترتب می شود ...

یک بحث، حکمت تحریم بنا به فرض تحریم و یک بحث هم اختلاف حکم به اختلاف انگیزه ها و به اختلاف آثار و به اختلاف زمان و مکان .... گر چه اختلاف زمان و مکان هم به اختلاف آثار بر می گردد ...